

Explaining the Relationship between Social Harms and Inter-Institutional Relations in Contemporary Iran and Proposing an Optimal Model

Qasem Ebrahimipour

Associate Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research
Institute, Qom, Iran. ebrahimipour14@yahoo.com

Abstract

The objective of this study was to assess the relationship between social issues and inter-institutional relations using an analytical method and to propose an optimal model for inter-institutional relations. From this perspective, religion is considered a super-institution, while family, economy, government, education, and law constitute the five main institutions that shape the macro-level relations of the social system. The super-institution of religion occupies the first level, family and education the second level, and economy, law, and government the third level. The relationship between religion at the first level, family and education at the second level, and economy, law, and government at the third level is vertical. However, the relationship between the family and education institutions, as well as the relationship among economy, law, and government, is horizontal. Many social issues and harms stem from structural and institutional disruptions. Therefore, both in studying and understanding these issues and in providing solutions, macro-structural and institutional studies are necessary. Numerous social and cultural issues and extensive social harms in contemporary Iran are rooted in inter-institutional relations, and their resolution will be successful only at this level. Institutional competition and conflict in inter-institutional relations or the dominance of one institution over others in contemporary Iran have been the primary causes of many disorders and crises. The main and overarching solution lies in realizing the optimal model of inter-institutional relations.

Keywords: Social institutions, Inter-institutional relations, Social harms, Cultural issues, Iran, Family, Economy, Politics.

Received: 2023-05-31 ; Revised: 2023-06-28 ; Accepted: 2023-08-06 ; Published online: 2023-09-23

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



تبیین نسبت مسائل و آسیب‌های اجتماعی با روابط بین نهادی در ایران معاصر و ارائه مدل مطلوب

قاسم ابراهیمی‌پور

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. ebrahimipoor14@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر نسبت‌سنجی میان مسائل و آسیب‌های اجتماعی و روابط بین نهادی با روش تحلیلی، و نیز ارائه مدل مطلوب روابط بین نهادی بود. از این منظر، دین به‌عنوان یک فرانهاد و خانواده، اقتصاد، حکومت، آموزش و حقوق، به‌عنوان نهادهای پنج‌گانه، روابط سطح کلان نظام اجتماعی را رقم می‌زنند. فرانهاد دین در سطح اول، نهادهای خانواده و آموزش در سطح دوم و نهادهای اقتصاد، حقوق و حکومت در سطح بعدی قرار دارند. یعنی رابطه بین دین در سطح اول؛ خانواده و آموزش در سطح دوم، و اقتصاد، حقوق و حکومت در سطح سوم، عمودی است. اما رابطه بین نهادهای خانواده و آموزش و رابطه بین نهادی اقتصاد و حقوق و حکومت، عرضی است. بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی، ناشی از اختلالات ساختاری و نهادی است. بنابراین، هم در سطح مطالعه و فهم آنها و هم در سطح اصلاح و ارائه راه‌حل، مطالعات کلان ساختاری و نهادی لازم است. مسائل پرشمار اجتماعی و فرهنگی و آسیب‌های فراوان اجتماعی در ایران معاصر نیز ریشه در روابط بین نهادی دارند و حل آنها تنها در این سطح موفق خواهد بود. تزامن و تضاد نهادی در روابط بین نهادی یا چیرگی یک نهاد در ایران معاصر، عامل اصلی بسیاری از نابسامانی‌ها و بحران‌ها بوده و راه حل اصلی و کلان آن در تحقق مدل مطلوب روابط بین نهادی است.

واژه‌های کلیدی: نهادهای اجتماعی، روابط بین‌نهادی، آسیب‌های اجتماعی، مسائل فرهنگی، ایران، خانواده، اقتصاد، سیاست.

استناد به این مقاله: ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۴۰۲). تبیین نسبت مسائل و آسیب‌های اجتماعی با روابط بین نهادی در ایران معاصر و ارائه مدل مطلوب. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۲۷(۲)، ص ۱۰۱-۱۲۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

© نویسنده‌گان. <https://gnoe.bou.ac.ir/>

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی





۱. مقدمه

مواجهه با رویداد مدرنیته، در جوامع اسلامی تحولات وسیعی را به دنبال داشت. سرعت بسیار این تحولات در جوامعی مانند ایران، مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراوانی، چون بحران جمعیت، اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، مفاسد اخلاقی، خودتحمیری، شکاف طبقاتی و گسست دولت-ملت را به همراه داشت. پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است؛ اما معمولاً پژوهش‌های انجام شده با رویکردهای خرد و مطالعات موردی صورت گرفته است و حال اینکه رویکردهای کلان مثل مطالعات ساختاری و نهادی، ابعادی از مسئله را تبیین می‌کند که امکان فهم آن در رویکردهای خرد وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در روابط بین نهادی قابل جست‌وجو است؛ زیرا هرگونه تغییر در نهادهای اجتماعی یا روابط میان آنها می‌تواند منجر به ظهور مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراوانی شود که حل آنها منوط به اصلاح نهادی است. از این منظر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و دیگر مسائل مربوط به خانواده، بخشی از بحران عمومی نظام صنعتی است که در آن از هم‌گسیختگی تمامی نهادهای عصر موج دوم مشاهده می‌شود (تافلر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹). بنابراین، ریشه مسائل اجتماعی را باید در روابط بین نهادی جست‌وجو کرد؛ زیرا نهادهای اجتماعی به‌عنوان ابزار پیوند و انسجام اجتماعی، بستر زندگی اجتماعی را فراهم کرده (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱) و بنیادی‌ترین نیازهای انسان و زندگی اجتماعی او را تأمین می‌کنند. علاوه بر این، همه ارتباطات اجتماعی در چهارچوب نهادهای اجتماعی صورت می‌پذیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۸). به‌همین دلیل توجه به نهادهای اجتماعی و روابط بین نهادی برای تبیین مسائل اجتماعی و ارائه راهکار در سطح کلان، ضروری به نظر می‌رسد. اما مطالعه آسیب‌های اجتماعی در سطح نهادی، نیازمند طراحی مدلی مطلوب از روابط بین نهادی است. از این رو، پژوهش حاضر، از طریق بازخوانی روابط بین نهادی از منظرهای مختلف و تطبیق آن بر جامعه ایران، تلاش کرده است به مدلی مطلوب از روابط بین نهادی دست یابد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به موضوع نهادهای اجتماعی پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها، نهاد اجتماعی را به معنای عام و در مصادیق متنوعی چون نظامات اجتماعی و سازمان‌های رسمی به کار برده‌اند. تحقیقات کم‌شماری هم نهاد به معنای خاص را مورد توجه قرار داده‌اند. علی‌بابایی (۱۳۷۸)، در پژوهشی با عنوان «آیا دین یک نهاد اجتماعی است؟»، منشأ اختلاف نظر افراد در نهاد اجتماعی شمردن دین را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که منشأ این اختلاف‌ها دو تعریف از نهاد اجتماعی است که یکی دین را محصول جامعه می‌داند و دیگری در این باره سکوت کرده است. ظهیری (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «نقش روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی»، به بررسی تأثیرگذاری روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی پرداخته و بدون اتخاذ رویکرد نهادی، از بایسته‌های



نقش روحانیت در آموزش، رسانه و ترویج مذهب سخن گفته است.

میرمحمدی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «الگوی روابط بین نهادهای حاکمیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، نظارت و تعادل میان بخش‌های مختلف حاکمیت را در چارچوب قانون اساسی مورد تحلیل قرار داده و تلاش کرده‌اند به تدوین یک الگوی مطلوب بپردازند.

جنادله (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «روابط نهادی دولت و جامعه در ایران پیشانوسازی»، به تحلیل مسئله گسست حکومت و جامعه پرداخته است.

جلالی و مهدوی زاهد (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر تحولات نهادهای اجتماعی بر امکان دولت قانونمند در ایران»، به دنبال تحلیل بخشی از فرایند تشکیل دولت قانونمند در ایران هستند که تحت تأثیر تحولات نهادی قرار دارد.

فتحی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تعارض کار و خانواده»، نشان دادند که تعارض کار و خانواده، برحسب نوع شغل و تحصیلات پاسخگویان متفاوت است و میانگین تعارض کار و خانواده، در مشاغل خدماتی و تحصیلات زیر لیسانس بیشتر از سایرین است.

بی‌بی رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تجربه ایفای همزمان نقش شغلی خانوادگی در مادران شاغل دارای فرزند خردسال»، نشان دادند که درک زنان شاغل از جنبه محدودیت‌ها و مسائل، در محیط خانه حمایتی، در محیط کار بی‌تفاوتی و تقابلی و در محیط اجتماعی حمایت اجتماعی پایین بوده است.

صادقی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تعارض کار و مادری»، بازتعریف معنا و مفهوم مادری در جامعه ایران را با توجه به موقعیت‌های جدید اجتماعی زنان مورد توجه قرار دادند. نتایج نشان داد که زنان شاغل با هزینه‌های فرزندآوری و تضادهای نقشی شغلی و مادری مواجه هستند.

خیری‌دوست و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان «فرهنگ، نهادهای رسمی و توسعه اقتصادی»، نسبت فرهنگ و نهادهای رسمی به‌ویژه قانون را به عنوان عامل مؤثر بر توسعه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که معمولاً در تعارض فرهنگ و قانون، این فرهنگ است که از سوی کنش‌گران حمایت می‌شود.

ناسخیان و وفائیان (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل خاستگاه شکل‌گیری نهادهای اجتماع با تکیه بر نظریه انگاره‌های عمومی در فلسفه فارابی»، به واکاوی نظریه انگاره‌های عمومی فارابی، لوازم آن و نسبت آن با نهاد پرداختند.

بابایی فرد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش اشتغال زنان بر ساختار خانواده»، به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای فشار کاری و میزان قدرت تصمیم‌گیری، بیشترین تأثیر را بر ساختار خانواده دارد. بررسی پیشینه‌ها نشان داد که هیچ یک از پژوهش‌های مذکور، نسبت روابط بین نهادی با مسائل و آسیب‌های اجتماعی و همچنین، مدل مطلوب روابط بین نهادی را مورد توجه قرار نداده‌اند. در نتیجه پژوهش حاضر در تلاش است، خلأ موجود در این زمینه را پر نماید.



۳. چارچوب مفهومی

نهاد، نظام سازمان‌یافته، پایدار و فراگیری از الگوهای اجتماعی است که رفتارهای تأیید شده و یکنواختی را جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه، ایجاد می‌کند و از این طریق، ارزش‌های غایی جامعه را متبلور می‌سازد (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰). جامعه‌شناسان معمولاً تعداد و انواع نهادهای اجتماعی را براساس مهم‌ترین نیازهای جامعه فهرست کرده و پنج نهاد دین، حکومت، اقتصاد، خانواده و آموزش را به‌عنوان نهادهای اصلی نام برده‌اند، که با نظر اندیشمندان مسلمان تفاوت‌هایی دارد.

۳-۱. چیستی و تنوع نهاد از منظر اندیشمندان مسلمان

فارابی، انگاره‌های عمومی را واجد سه ویژگی سازمان‌دهی، تثبیت و پایداری نسبی باورها و رفتارهای افراد می‌داند. مطابقت این ویژگی‌ها با مهم‌ترین ویژگی‌های نهادهای اجتماعی، نشان می‌دهد، نهادها در دستگاه نظری فارابی، همان انگاره‌های عمومی هستند. این انگاره‌ها، نیازهای طبیعی و معقولات قدسی را با صورت‌های محسوسی محاکات می‌کنند و آن را مقدمه‌ای برای رفتار قرار می‌دهند و بدین ترتیب، اعتباریاتی جدید را به وجود می‌آورند. تکرار این دست رفتارها توسط دیگران به شکل‌گیری گونه‌های متنوعی از طبیعت ثانویه اجتماعی می‌انجامد که فارابی آن را مدینه نامیده است. از سوی دیگر، معقولات بالقوه از طریق اراده، عوارض و احوال شهروندان به پدیده‌های خارجی تبدیل می‌شوند. قوانینی که شهر را اداره می‌کنند، براساس این احوال و عوارض زودگذر به اقسام کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند که در عین ایجاد تغییر در ظاهرشان از یک حقیقت باطنی (امر معقول یا موهوم) حکایت می‌کنند. این قوانین بر پایه انگاره‌های عمومی جامعه استوار هستند (ناسخیان و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹۶).

آیت‌الله مصباح یزدی با تأکید بر دسته‌بندی نیازهای انسانی، نهادهای اجتماعی را تعریف و تعیین می‌کند. نیازهای انسان از منظر ایشان به دو دسته مادی و معنوی و نیازهای مادی خود به نیازهای انسان به انسان‌های دیگر و نیازهای انسان به طبیعت تقسیم می‌شوند. نیازهای انسان در زندگی اجتماعی نیز شامل نیاز به قانون، اجرای قانون و ضمانت اجرای آن است. بنابراین، انسان در زندگی اجتماعی با پنج نیاز اساسی روبرو است که در پنج نهاد اجتماعی برآورده می‌شوند. نیازهای مادی انسان به انسان یا همان نیاز جنسی در نهاد خانواده؛ نیازهای مادی انسان به طبیعت مانند نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن در نهاد اقتصاد و نیازهای معنوی عمده به وسیله نهاد آموزش و پرورش برآورده می‌شوند. از سوی دیگر، زندگی اجتماعی نیز محتاج قوانینی است که مناسبات و ارتباطات افراد جامعه را تنظیم کند و حقوق، اختیارات و وظایف هر فرد، گروه یا قشری را معلوم دارد، که نهاد حقوق این احتیاج را مرتفع می‌سازد. اما قوانین حقوقی نیز نیازمند مجری و افرادی است که عمل به آن را ضمانت کنند، که نهاد حکومت این امر را برعهده می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۸-۳۴۹). بر این اساس، نهادهای اجتماعی اصلی عبارتند از: نهاد خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش، حقوق و حکومت. بنابراین، از این منظر، دین نه یک



نهاد اجتماعی، بلکه یک فرانهاد است.

۲-۳. دسته‌بندی نهادها

رولاند،^۱ در پژوهشی با عنوان «فهم تحول نهادی»، چارچوبی برای درک تغییرات نهادی ارائه می‌کند که به گفته وی، هرچند شباهت‌هایی به نظریه مارکس^۲ دارد، اما بیشتر نو وبری^۳ است. وی برای درک معنادار نهادها، فهم تغییرات نهاد و تعاملات بین نهادی را ضروری می‌داند. او همچنین نهادها را از حیث سرعت تغییر به دو دسته تقسیم می‌کند، نهادهایی مثل فرهنگ که به آرامی تغییر می‌کنند. البته برخی از هنجارها و ارزش‌ها مثل تحمل فرد سیگاری از سوی جامعه، به سرعت تغییر می‌یابند. اما اغلب هنجارها به ویژه آنهایی که ریشه‌های مذهبی دارند، به کندی تغییر می‌کنند. نهادهایی مثل سیاست نیز که ظرفیت تغییر در تصمیم‌گیری‌های متمرکز و رخداد انقلاب‌های یک شبه را دارند، سریع تغییر می‌یابند. اما نظام‌های حقوقی و اجرای قوانین چون به پذیرش و انتظارات اجتماعی بستگی دارد، به کندی تغییر می‌کنند. البته نظام پاداش‌ها و مجازات‌ها تغییرات سریع‌تری دارند. به باور وی، این دسته‌بندی می‌تواند چرایی تغییرات روابط بین نهادی را تبیین نماید (Roland, 2004).

۳-۳. انواع روابط بین نهادی

نهادهای اجتماعی به هم وابسته‌اند (کونن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰) و هرگونه تغییر در یک نهاد، سایر نهادها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. تفاوت دیگری نیز میان نهادها وجود دارد که بر روابط بین نهادی مؤثر است. برخی از نهادها مثل هنجارهای اجتماعی به صورت مداوم و برخی دیگر مثل نهاد سیاست به صورت ناپیوسته تغییر می‌کنند. تغییرات آرام و کند برخی از نهادها، به تدریج فشاری ایجاد می‌کند که تغییرات انفجارگونه و ناپیوسته نهادهای دیگر را به دنبال دارد (Roland, 2004). البته مدل روابط بین نهادی، اهمیت و تأثیر هر نهاد را مشخص می‌کند. به طور کلی سه نوع رابطه همکاری، رقابت و چیرگی یک نهاد بر سایر نهادها (کونن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶)، یا تعاملی، تراحمی و تابعی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۱)، میان نهادها قابل تصور است.

۳-۳-۱. تعامل نهادی

کارکردگرایی چون دورکیم^۴ تلاش می‌کنند، ثبات ظاهری و انسجام درونی جامعه را به‌عنوان یک ضرورت کارکردی، توضیح دهند. از این منظر، نهادهای اجتماعی در عرصه عملکرد یکپارچه شده‌اند، تا یک سیستم پایدار ایجاد کنند. کارکردگرایان جامعه را به‌عنوان سازه‌ای منسجم، محدود و رابطه‌ای تلقی

1. Roland
2. Marx
3. New Weberian
4. Durkheim



می‌کنند که مانند یک ارگانیزم زنده عمل می‌کند. نهادها در این میان به‌عنوان بخش‌های مختلف آن، برای حفظ و بازتولید جامعه تعامل دارند. از این‌رو برای درک نهاد به عنوان جزئی از جامعه، باید کارکرد آن را برای سیستم کل، فهم کرد (Introduction to Sociology, 2012, p.41). بنابراین، در یک جامعه طبیعی، نهادها به صورت نظام‌وار به یکدیگر متصل هستند و معمولاً با یکدیگر تعامل و همکاری دارند. جامعه‌شناسان به دلایل مختلف بیشتر به «نظام‌های نهادین» توجه می‌کنند، تا «نهاد‌های اجتماعی منفرد»؛ به این دلیل که نظام‌های نهادین، نظام‌هایی متشکل از نهاد‌های به‌هم پیوسته‌اند (نولان و لسنکی، ۱۳۸۰، ص ۸۴). نظام‌وار دیدن نهاد‌های اجتماعی موجب فهم نحوه ارتباط و کارکردهای مرتبط و متداخل این نهادها می‌گردد.

از دیدگاه کارکردگرایی، برای اینکه یک جامعه به اهداف خود برسد، نهاد‌های آن باید همکاری سازنده داشته و مکمل هم باشند. مسئله همکاری بین نهادها وقتی مهم‌تر می‌شود که چند نهاد کارکردهای یکسانی پیدا کنند؛ مثلاً امروزه، هر دو نهاد خانواده و آموزش، کارکرد جامعه‌پذیری دارند. در این موارد یک راهکار برای حل این تداخل، تقدم و چیرگی یک نهاد در حوزه کارکردی بر نهاد دیگر است (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴). اما در این موارد گاه همکاری به تضاد نیز تبدیل می‌شود. امروزه در کشورهای غربی، اولیاء دانش‌آموزان معمولاً روش‌ها و محتوای آموزشی ارائه شده در مدرسه را می‌پذیرند و بیشتر در راستای تحقق آن با مدرسه همکاری می‌کنند و این به معنی چیرگی نهاد آموزش بر خانواده است.

۳-۲. تضاد نهادی

هرچند نهاد‌های اجتماعی در بسیاری از جوامع، با یکدیگر همکاری دارند و همین امر سبب پیشبرد اهداف کلی جامعه و بقا و بالندگی آن می‌گردد؛ اما از آنجا که نهادها به دنبال حفظ کارکرد و منافع اعضای خود هستند، ممکن است، ارتباط بین نهادی شکل رقابت یا تضاد به خود گیرد و سبب اختلال در کارکرد نهادها گردد؛ مثل جایی که مدرسه به انتقال برخی ارزش‌های اجتماعی یا اخلاقی به دانش‌آموزان اهتمام می‌ورزد و مثلاً دروغ‌گویی و تقلب را تقبیح می‌کند؛ اما گاه الگوی عملی که نهاد اقتصاد فراروی افرادی که از مدرسه وارد بازار کار می‌شوند، قرار می‌دهد، لزوم بهره‌گیری از دروغ و تقلب برای دستیابی به سود بیشتر است. نمونه دیگر تضاد، جایی است که دو الگوی متضاد از نحوه پوشش و حجاب در محیط مدرسه و خانه به دانش‌آموز القاء می‌گردد؛ یا در جامعه‌ای که نهاد دین به دنبال تقدس‌بخشی به خانواده و اصالت دادن به کیان خانواده و استحکام آن است؛ اما نهاد حکومت برای خانواده اصالتی قائل نباشد و به افراد جامعه صرفاً به عنوان شهروندان جامعه بنگرد که هر یک قبل از هر چیز باید برای جامعه کارکرد اقتصادی داشته باشند؛ در این صورت این دو نگاه متفاوت، رقابت یا تضاد نهاد دین و حکومت در حوزه یک نهاد دیگر را موجب می‌شود و سرانجام این رقابت یا نزاع، می‌تواند غلبه یکی از این دو نهاد رقیب یا متنازع بر دیگری باشد.

۳-۳-۳. چیرگی نهادی

گاهی اوقات، نتیجه انتقال کارکردها، رقابت یا تضاد نهادی، چیرگی یک نهاد بر نهاد دیگر، یا بر دیگر نهادها است. در بحث از چیرگی نهادها، دو رویکرد وجود دارد: یکی آنکه در هر جامعه خاص کدام نهاد عملاً برتری یافته است و دیگر آنکه در اولویت بندی نظری نهادها، در واقع کدام نهاد باید بر دیگر نهادها برتری داشته باشد. در مبحث دوم، مارکس نهاد اقتصاد، دیویی^۱ نهاد آموزش و توین بی^۲ نهاد دین را نهاد برتر و مهم می‌دانند (صدقاتی فر، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶). در هر جامعه و در هر دوره‌ای از زمان ممکن است یک نهاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود و بر دیگر نهادها تأثیر و نفوذ بیشتری داشته باشد. در جوامع دینی، دین به یک نهاد برتر و دارای چیرگی بر دیگر نهادها تبدیل می‌شود، ولی در جوامع سکولار یا شبه‌سکولار، دین به یک نهاد در عرض دیگر نهادها با کارکردهای محدود و حاشیه‌ای مبدل می‌گردد. در برخی از جوامع نهاد حکومت سیطره دارد. افلاطون قائل به تضاد خانواده با دولت است و به همین دلیل پیشنهاد اضمحلال خانواده در دولت را دارد؛ زیرا از نظر وی، در زندگی اشتراکی دلیلی برای حرص و تضاد باقی نمی‌ماند و ترجیح نفع خانواده بر نفع جامعه از بین خواهد رفت (افلاطون، ۲۵۳۵، ص ۲۶۴، به نقل از: آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۳۸). در ایران معاصر، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها به شدت متأثر از بودجه و سیاست‌گذاری‌های رسمی هستند و این نشانه غلبه نهاد سیاست بر آموزش است. از سوی دیگر، همین نظام آموزشی به دلیل کارآمدی اندک در تربیت نیروی انسانی ماهر و آگاه برای رفع نیازهای اقتصادی جامعه، بر نهاد اقتصاد تأثیر می‌گذارد. کما اینکه به نظر می‌رسد در ایران، فرانهاد دین تأثیر جدی و تعیین‌کننده‌ای در نهادهای آموزش و اقتصاد ندارد، اما بخش مهمی از تربیت دینی فرزندان را خانواده برعهده دارد و این نشان‌دهنده نفوذ دین در خانواده ایرانی و شکل‌گیری رابطه تعاملی در این زمینه است.

۴. نهادهای اصلی در ایران

سه نهاد خانواده، دین و دولت در ایران در طول تاریخ نقش‌آفرینی بیشتری نسبت به سایر نهادها داشته و بسیاری از کارکردهای دیگر نهادها، برعهده این سه نهاد بوده است. وجود این سه نهاد را می‌توان به معانی متعددی مثل عدم تمایز نهادی، قدرت نهادهای اشاره شده یا عاملیت تاریخی ایرانیان، تفسیر کرد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۰-۵۱).

۴-۱. فرانهاد دین

اغلب جامعه‌شناسان، دین را یک نهاد اجتماعی قلمداد کرده‌اند (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰). اما از آنجایی که به باور آنها، نهاد اجتماعی به منظور تأمین نیازی به وجود می‌آید و پدیده اجتماعی تلقی

1. Dewey

2. Toynbee



می‌شوند، پس در صورت از دست دادن کارکردهای خود، دچار اضمحلال خواهند شد (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۵۵۲)؛ بنابراین، نمی‌توان دین، یا حداقل ادیان آسمانی را نهاد اجتماعی برشمرد؛ زیرا دین در اغلب دوره‌های تاریخی ایران، بر سایر نهادها به ویژه حکومت، آموزش و خانواده، سیطره داشته است. در جهان معاصر که جایگاه اجتماعی دین، با الگوهای متفاوتی تحول یافته؛ در ایران به‌عنوان یک الگوی منحصر به فرد، جایگاه فرانهادی خود را حفظ کرده است. هرچند ناکارآمدی شدید دولت دینی که ادعای تأمین سعادت دنیا و آخرت افراد را دارد یا پیروی انفعالی و بدون تصرف از الگوهای توسعه و پیشرفت جوامع غربی، می‌تواند به صورت جدی موجب تمایز ساختی و انزوای اجتماعی دین شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۳۳۹)، اما دین تاکنون جایگاه فرانهادی خود را به‌ویژه در ایران پس از انقلاب حفظ کرده است.

۴-۲. نهاد خانواده

هنجارهای مربوط به خانواده و خویشاوندی در جوامع مختلف تفاوت دارد؛ اما امور متعددی مثل مراقبت از فرزندان و تربیت آنها در همه جوامع با خانواده ارتباط می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱). تأمین نیاز جنسی، تکثیر نسل، حمایت و مراقبت، تأمین نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری و دستیابی به آرامش، از جمله اهداف خانواده هستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۶). خانواده در ایران نیز به لحاظ تاریخی و اجتماعی یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۳۶). اما مسائل و چالش‌های پیش‌روی خانواده در دوره معاصر مثل بحران جمعیت، افزایش سن ازدواج و افزایش طلاق، حاکی از مشکلاتی در روابط بین نهادی است. عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی و حقوقی مؤثر بر این مسائل، جایگاه نامناسب خانواده در روابط بین نهادی را نشان می‌دهد؛ حتی با اینکه رویکرد کلی نظام جمهوری اسلامی در ایران حمایت از خانواده بوده است و در سال‌های اخیر دولت و مجلس، طرح‌ها و لوایح فراوانی در حمایت از خانواده تدوین و تصویب کرده‌اند.

۴-۳. نهاد اقتصاد

نهاد اقتصاد، بخشی از اعمال عمده و گریزناپذیر حیات انسان در ظرف جامعه، مانند تولید، توزیع، مبادله و مصرف مواد و کالاها، را راهبری می‌کند. تجسم نهاد اقتصاد در مؤسسه‌ها و سازمان‌هایی است که نیازهای اقتصادی جامعه را تأمین می‌کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲ الف، ص ۴۴۲). نهاد اقتصاد در ایران پس از انقلاب، تحولات بسیاری را تجربه کرده است. شاخص‌های اقتصادی مثل تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ تورم در دهه ۹۰ وضعیت خوبی نداشته و سایر نهادها به‌ویژه خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً متغیرهای مذکور در مجموع، همبستگی ۶۹ درصدی را با متغیر نرخ ازدواج نشان می‌دهد (جهانی دولت‌آباد و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۲۷)، که حاکی از تأثیر چشمگیر اقتصاد بر خانواده است. نهاد خانواده نیز بر نهاد اقتصاد مؤثر بوده است. طولانی شدن



دوران کودکی در ایران، تأکید خانواده بر تحصیلات عالی به ویژه برای دختران و ورود دیر هنگام جوانان به بازار کار، برخی از این تأثیرات است. علل این موارد به تصریح بکر^۱ آن است که والدین نسبت به فرزندان خود نوعی احساس وظیفه می‌کنند و برای بالا بردن منابع آنها تلاش می‌نمایند (یادی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴). این نوع رابطه میان نهاد خانواده و اقتصاد، با حذف نهاد حقوق، پدیده‌ای به نام «آقازاده‌ها» و «پندار زن برتر» را در ایران موجب شده و فساد مالی را در طبقه مدیران رقم زده است.

۴-۴. نهاد آموزش و پرورش

نهاد آموزش و پرورش، شامل هرگونه فعالیتی است که در زمینه تعلیم و تربیت و فرهنگ جامعه صورت می‌گیرد. این نهاد به طور کلی سه هدف اساسی را دنبال می‌کند: ۱. تربیت شهروندان سازگار، ۲. ساختن و پرداختن شخصیت‌های سالم و ۳. انتقال علوم و معارفی که ابعاد و وجوه مختلف جهان هستی را می‌شناساند. محتوای دروس نظام‌های آموزشی مختلف حاکی از آن است که در بسیاری از موارد، یکی از این سه هدف بر دو هدف دیگر غلبه چشمگیر دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۰). نهاد آموزش در ایران پس از انقلاب، با دو چالش اساسی «علوم انسانی غربی» و فزونی «زنان تحصیل کرده» مواجه شده است. بیش از سه میلیون دانشجو و فارغ‌التحصیل علوم انسانی که علوم غربی را فرا گرفته و زمینه اداره جامعه با رویکردها و تئوری‌های غربی را فراهم کرده‌اند؛ همچنین قشر عظیمی از زنان که به دنبال افزایش سطح تحصیلات، قدرت، ثروت و اطلاعات، از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار شده‌اند، ساختار و روابط قدرت را در همه سطوح جامعه تحت تأثیر قرار داده‌اند. علاوه بر آن، زنان تحصیلکرده حوزوی و دانشگاهی که به دلیل ارتقای پایگاه اجتماعی، انتظارات اجتماعی متفاوتی دارند، اما زمینه‌های اجتماعی، مهیای حضور فعال آنها در همه عرصه‌ها نیست، یا حداقل است؛ باعث ایجاد تداخل در نهادها شده است. به‌عنوان نمونه، تزامن نقش‌های زنان در عرصه‌های تحصیلی، شغلی و خانوادگی، روابط میان سه نهاد آموزش، اقتصاد و خانواده را به چالش کشیده است.

برخی از پژوهش‌ها حاکی از وجود همبستگی قوی میان سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و میزان گرایش زنان متأهل به طلاق است. به این معنی که با کاهش میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی زنان، میزان گرایش آنها به طلاق افزایش می‌یابد؛ زیرا زنان به حفظ سرمایه اجتماعی و فرهنگی خود تمایل دارند و طلاق می‌تواند بر این سرمایه‌ها تأثیر منفی داشته باشد (قدسی و میرجلیلی، ۱۴۰۰، ص ۲۲۹). اما از سوی دیگر، تمایل دختران مجرد به کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی بیشتر، در ابتدا مانع از ازدواج و در مراحل بعد موجب افزایش سطح انتظارات آنها شده و چالش میان نهاد آموزش و خانواده را دامن زده است.

1. Becker



۴-۵. نهاد حقوق

جامعه نیازمند قانون‌گذاری و قضاوت و دادرسی است. این دو دسته نیاز به وسیله نهاد حقوق تأمین می‌شود. از این رو نهاد حقوق خود به دو بخش عمده قانون‌گذاری و دادرسی تقسیم می‌گردد. قوانین حاکم بر جامعه نیز به سه دسته قوانین الهی، عرفی و موضوعه، تقسیم می‌شود که ارزش و اهمیت هر یک از آن‌ها در جوامع مختلف، یکسان نیست. همچنین، جامعه نیازمند دادرسی مدنی و جزائی است، تا اولی به حل و فصل دعاوی حاصل از تفسیر قوانین پردازد و دومی مقاومت‌ها و مخالفت‌هایی را که ممکن است از بعضی از افراد سر بزند، از میان ببرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۹).

نهاد حقوق نیز ارتباط تنگاتنگی با سایر نهادهای اجتماعی دارد. مثلاً هر نظام اقتصادی بر یک مجموعه زیرساخت‌های حقوقی استوار است و در مقابل سیاست‌های اقتصادی نیز در شکل‌گیری و تحول این قواعد حقوقی بسیار مؤثر هستند (یادی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۳۵). البته نسبت نهاد حقوق و اقتصاد در جوامع مختلف، متفاوت است. در جامعه سرمایه‌داری حقوق به شدت تحت تأثیر اقتصاد است، اما در جوامع فئودال، حقوق مقدم می‌شود و می‌تواند اقتصاد را به سمت سیطره حقوق اربابی یا رقابت آزاد و انباشت اموال سوق دهد. در نسبت حقوق و دین نیز باید توجه داشت که حقوق ذاتاً مبتنی بر اخلاق و تحت تأثیر آن است. تغییرات حقوقی معمولاً کند و تحت تأثیر اخلاق صورت می‌گیرد. بنابراین، پیوند حقوق و دین به‌ویژه در برخی از ادیان مثل اسلام استمرار و حقوق به شدت تحت تأثیر دین قرار دارد (گورویچ، بی تا، ص ۲۹۲-۲۹۵). قوه قضائیه و مقننه در ایران پس از انقلاب، تجسم نهاد حقوق است که فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرده و تأثیرات زیادی را به واسطه فقه از دین پذیرفته است. اما با این شرایط و وجود نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، بازهم قوانین بسیاری در ایران جاری است که نسبت روشنی با فقه و دین ندارد.

۴-۶. نهاد حکومت

قوانین حقوقی نیازمند مجریانی است که عمل به آن را ضامن شوند، نهاد حکومت این امر را برعهده می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۲). از سوی دیگر، جامعه با یک سلسله بیماری‌ها و نابهنجاری‌ها روبه‌رو است. برخی از این آفات در درون جامعه بوده و مشکلاتی را پدیدار ساخته است که سلامتی جامعه را از درون تهدید می‌کند. گاه نیز عامل خارجی سلامتی جامعه را با خطر مواجه می‌سازد. بنابراین، دفاع در برابر عوامل داخلی و خارجی وظیفه دولت است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، الف، ج ۲، ص ۲۵۸) و از آن مهم‌تر، دفاع از ارزش‌ها است (همان، ص ۲۷۲). قوه مجریه در ایران پس از انقلاب، تجسم نهاد حکومت است. اما با وجود وزارت آموزش و پرورش و وزارت اقتصاد در دولت، ایران به نوعی با چیرگی نهاد حکومت بر دو نهاد آموزش و اقتصاد نیز روبه‌رو است.

در ارتباط نهاد حکومت و حقوق باید توجه داشت که سیاست می‌تواند ارزش‌های حقوقی معینی را

به‌عنوان هدف خود تعریف کند، حقوق را ابزاری برای تحقق منافع خود در نظر بگیرد، یا حقوق را مانع تحقق اهداف سیاسی خود تلقی کند (سرار، ۱۳۹۲، ص ۳۹). از سوی دیگر، نهاد آموزش و رسانه، بیشترین نقش را در جامعه‌پذیری سیاسی دارند. کارکرد آشکار نهاد آموزش، اقتناع سیاسی و همراه نمودن جامعه با حکومت است (منصوری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶)، اما کارکرد پنهان آن می‌تواند درونی‌سازی انتقاد و مخالفت با نظام سیاسی باشد. حمایت برخی از معلمان و اساتید دانشگاه از اغتشاشات اواخر دهه ۹۰ در ایران و تحریک و ترغیب دانش‌آموزان و دانشجویان به مشارکت در اغتشاش، شاهدی بر این ادعاست.

۵. روابط بین نهادی در دوران معاصر

مهم‌ترین تحول بین نهادی در جهان معاصر، تمایز ساختی-نهادی و انزوای دین از عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در پروسه یا پروژه نامیدن این تحول، اختلاف نظر وجود دارد، اما در هر صورت، تلاش برای عرفی‌سازی در ایران با شکست مواجه شده است؛ زیرا انحراف مذهب در غرب، زمینه مساعدی برای نقد آن فراهم کرده و هجوم همه‌جانبه و مستمری از سوی فیلسوفان و هنرمندان، علیه مذهب شکل داده بود. اما در ایران نه مذهب از انحراف درونی رنج می‌برد، و نه از پشتوانه و حمایت نخبگانی و عمومی بی‌بهره بود. زمینه‌های فلسفی نیز در ایران در مقابل سکولاریسم قرار داشت؛ زیرا حکمت صدرایی که حاصل امتزاج جریان‌های تفسیری، حدیثی، عقلی، کلامی، فلسفی و عرفانی دنیای اسلام بود، بنیان‌های فرهنگ را در تصرف داشت (پارسا، ۱۳۸۶، ص ۳۸-۳۹). بنابراین، دین در ایران معاصر، جایگاه فرانهادی خود را تا حد زیادی حفظ و با رقم زدن یک انقلاب، نظام سیاسی را نیز با خود همراه ساخته بود، اما نهاد اقتصاد و آموزش در ایران، همچنان در برابر سیطره دین مقاومت می‌کنند.

خانواده نیز که در جهان معاصر، کوچک‌ترین واحد اجتماعی تلقی می‌شد، با رشد دولت، تضعیف و تخریب و فرد به عنوان واحد سیاسی برجسته شد. بر این اساس، دولت‌های لیبرال در برابر خانواده قرار گرفتند و جنگی نمایان را علیه آن آغاز کردند (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۲۱-۲۲)؛ اما ظاهراً نتیجه این نزاع، چیرگی نهاد اقتصاد خواهد بود. تافلر^۱ در پاسخ به این سؤال که کدام یک از اشکال خانواده در آینده رواج بیشتری می‌یابد؛ از میان عوامل ارزشی، تغییرات جمعیتی، جنبش‌های مذهبی و دگرگونی‌های زیست محیطی، «شیوه کار» را مهم‌ترین و مؤثرترین عامل بر خانواده می‌داند (تافلر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۹)؛ یعنی به اعتقاد وی، تحولات نهاد اقتصاد می‌تواند خانواده را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد. جالب اینکه او تحولات نظام شغلی و نهاد اقتصاد را ناگزیر و حتمی می‌داند و معتقد است که خانواده باید خود را با این شرایط وفق دهد.

در تبیین نسبت خانواده، حکومت و دین، برخی بر این باورند که در ایران تا قبل از صفویه، نهاد

1. Toffler



خانواده و دین بیشترین اهمیت را داشته و بر سایر نهادها چیرگی داشته‌اند. اما از دوره پهلوی تاکنون، نهاد حکومت سیطره یافته است. هرچند در سطح اجتماع، دین و خانواده نیز محوریت دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۵-۵۶). اما به نظر می‌رسد با ظهور حکومت دینی در انقلاب اسلامی، دین بر نظام سیاسی و نهاد حقوق سیطره یافته است. خانواده نیز در این منازعه، ترکیبی از فرهنگ شرقی، غربی و اسلامی را تجربه می‌کند. در این شرایط، نظام سیاسی که کاملاً دینی است، تلاش می‌کند محوریت خانواده را حفظ کند، دین نیز حضوری فعال در خانواده دارد، اما نفوذ بخش‌های سکولار نهاد اقتصاد و آموزش نیز، در خانواده قابل انکار نیست.

یک مسئله مهم دیگر، انتقال کارکردهای یک نهاد به نهاد دیگر است. انتقال کارکرد زمانی رخ می‌دهد که یک نهاد، نتواند نیاز معینی را برآورده سازد؛ به‌طور مثال، خانواده نتواند آموزش‌های تخصصی لازم برای حرفه‌های جدید را به اعضای خود منتقل کند؛ یا زمانی که دو یا چند نهاد با هم بتوانند یک نیاز را برآورده سازند، اما یک نهاد (جدید) بتواند آن نیاز را به نحو بهتری برطرف سازد (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵). چنین اتفاقی بیشتر برای نهاد خانواده رخ داده و بسیاری از کارکردهایش به دیگر نهادها منتقل شده است؛ مثلاً کارکرد آموزشی به نهاد آموزش، کارکرد اقتصادی و تولیدی به نهاد اقتصاد و کارکرد حمایتی و امنیتی آن به نهاد حکومت منتقل شده است. انتقال کارکرد آموزش از خانواده به مدرسه، منشأ تحولات فراوانی شده است. توسعه آموزش و نیاز جامعه در حال پیشرفت به تقسیم کار تخصصی، خانواده را در انجام این نقش با هزینه‌های فراوان و عجز و ناتوانی روبه‌رو کرد و موجب انتقال این کارکرد به مدرسه شد.

۶. پیامدهای روابط بین نهادی

تعامل نهادی تا آن‌جا که در واقعیت کم‌تر قابل مشاهده است، اما عواملی وجود دارند که زمینه تعاملات نهادی را فراهم می‌کنند. به‌عنوان مثال، تعامل نهادی در شرایط وجود دشمن خارجی، میل به تغییر درونی و ظهور حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله، تقویت و موجب حرکت نظام، از طریق انتقال انرژی، امکانات و مشکلات و نارسایی‌ها در سطح ساختاری می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). شور و هیجان انقلابی در اواخر دهه ۵۰ و رخداد جنگ تحمیلی در دهه ۶۰، موجب ظهور یا تقویت نهادهای فرعی مثل مساجد، سپاه پاسداران، بسیج، کمیته امداد و جهاد سازندگی شد و زمینه تعامل نهادی در ایران را افزایش داد. اما پس از جنگ، ظهور دولت سازندگی، توصیه به مانور تجمل، پذیرش الگوی توسعه غربی و غرب‌گرایی سیاسی، رابطه تزاومی را تقویت کرد.

در رابطه تزاومی، نهادها، از حیث زمینه‌ها، ساختارها و کارکردها در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و منشأ حوادث کلان ساختاری می‌شوند. به‌هم ریختگی ساختاری مهم‌ترین نتیجه رابطه تزاومی نهادها است. در چنین شرایطی زمینه برای حضور نیروهای بیگانه و تشدید گسست نهادی با مداخله آنها فراهم



می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۱). غرب‌گرایی در دولت‌های اصلاحات و طرح جامعه مدنی و مباحثی مثل حقوق شهروندی، سیطره رویکردهای نئولیبرال در اقتصاد و پیروی از الگوهای توسعه غربی، نشان از تراحم نهادی دارد و پیامدهایی مثل افزایش فقر و حاشیه‌نشینی، بحران جمعیت، نفوذ عناصر بیگانه در قالب اسنادی مثل ۲۰۳۰، افزایش نرخ روسپی‌گری و اخیراً رخداد کشف حجاب را به دنبال داشته است. البته وضعیت چیدمان نهادی در دور اول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد کمی متفاوت بود، اما تأثیری بر روند کلی تراحمی نداشت.

بهترین راه‌حل شرایط تراحمی، از نظر جامعه‌شناسان، سیطره یک نهاد بر سایر نهادهاست، اما آزاد ارمکی بر این باور است که حضور همزمان، پیوسته و تعاملی سه نهاد دین، خانواده و دولت، وجه آرمانی جامعه ایران است؛ چراکه سلطه یک نهاد بر نهادهای دیگر موجب تعارضات بنیادین اجتماعی خواهد شد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۶). از منظر وی، چیدمان نهادی در ایران معاصر، موجب ظهور فضاهای خالی و مناسب برای رشد نیروهای اجتماعی جدید، مثل گروه منتقدین و حاشیه‌نشینان شده است. این فضاهای خالی، تحت تأثیر فضاهایی بیرون از نهادها هستند و توسعه فضای شهری و فزونی ساختمان‌های بلند و پاساژها، بستر مناسبی برای این گروه‌ها فراهم آورده است. هرچند روابط اجتماعی همچنان جهت نهادی خواهد داشت و تحت تأثیر سه نهاد خانواده، دین یا حکومت خواهد بود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۹)، اما نادیده‌انگاری نهاد اقتصاد، تحریم ایران، هجوم رسانه‌ای و تحولات بین‌المللی موجب شده است که در تبیین روابط بین نهادی و پیامدهای آن دچار خطا شود و قادر به پیش‌بینی وضعیت نهادی در دهه ۹۰ نباشد.

۷. مدل مطلوب در روابط بین نهادی

هر یک از نهادهای اجتماعی، از جهتی اهمیت و اولویت دارند. بنابراین، تصور رابطه عمودی یا افقی محض میان نهادهای اجتماعی ممکن نیست. از این‌رو لازم است مهم‌ترین آرمان‌ها و اهداف غایی جوامع و کارکردهای هر نهاد اجتماعی نسبت‌سنجی شود و براساس آن، الگوی مطلوب روابط بین نهادی به‌دست آید.

۷-۱. نسبت آرمان‌ها و نهادهای اجتماعی

از منظر مسکویه، هدف نهایی در جامعه ناقص، تأمین ضروریات زندگی؛ در جامعه عقلانی، سیطره بر طبیعت و بهبود وضعیت زندگی؛ و در جامعه فاضله، حاکمیت فضایل اخلاقی و ارزش‌های معنوی است. از نظر وی، جامعه پیشرفته، به‌سامان و متعادل، جامعه‌ای است که به هر سه هدف دست‌یافته باشد؛ زیرا اگر یکی از سه هدف فوق‌مورد غفلت قرار گیرد، جامعه بحرانی و نابسامان است و اگر دو هدف اخیر تأمین نشود، جامعه رو به زوال و فروپاشی است (ابن مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۶۱، ۱۳۳). این سه



هدف، بیشتر با نهادهای اقتصاد، آموزش و پرورش و فرانهاد دین ارتباط می‌یابد؛ بنابراین، بی‌توجهی به نهاد اقتصاد، نابسامانی و بحران را به دنبال خواهد داشت، اما سیطره نهاد اقتصاد بر سایر نهادها یا انزوای فرانهاد دین یا نهاد آموزش و پرورش می‌تواند جامعه را دچار فروپاشی نماید.

۲-۷. نهاد محوری

خانواده کارکردها و اهداف متفاوتی دارد که همگی از اولویت یکسانی برخوردار نیستند. هدف اصلی از تشکیل خانواده، بقای نسل، تشکیل جامعه سالم و تأمین سلامت روانی افراد و در مرحله بعد، تأمین نیازهای افراد خانواده در سایه زندگی مشترک است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲ ب، ص ۳۱۶). در نتیجه، خانواده در میان نهادهای پنج‌گانه، به عنوان نهادی که از یک سو ماده خام جامعه یعنی جمعیت و از سوی دیگر حمایت و مراقبت از افراد و از سوی سوم، پرورش نسل را در دستور کار خود دارد، جایگاه محوری دارد و همه فعالیت‌های سایر نهادی اجتماعی باید در راستای بازتولید و تحکیم خانواده قرار گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ ب، ج ۳، ص ۷۳). بدیهی است در این دیدگاه، محوریت و تحکیم مدلی خاص از خانواده مطرح است که متعالی و مقدس بوده و کارکردهای ذاتی خود را حفظ کرده باشد. هرچند برخی همچون تافلر، تأکید بر مدل خاصی از خانواده و ثابت نگه داشتن آن را تنها در صورت توقف تاریخ ممکن می‌دانند و تکثر عرفی و بی‌انتهای گونه‌های مختلف خانواده را سرنوشت محتوم همه جوامع می‌شمارند (تافلر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸-۲۹۲). خانواده ایرانی با پشتوانه غنی و بی‌نظیر تاریخی تمدنی خود قادر است به جایگاه محوری در روابط بین نهادی دست یابد و از طریق جایگزینی نسل و پرورش انسان موحد در فرایند جامعه‌پذیری، نظام اجتماعی را استمرار می‌بخشد.

۳-۷. نهادهای زمینه‌ای

سه نهاد اقتصاد، حکومت و حقوق، زمینه‌های مادی و معنوی حیات اجتماعی اسلام را فراهم می‌کنند و هر یک از جهتی اهمیت دارند، اما به طور کلی جنبه اعدادی و زمینه‌سازی، موجب می‌شود آنها در یک ردیف و در عرض هم قرار داده شوند، تا در خدمت جامعه به عنوان یک کل قرار گیرند و خانواده بتواند به عنوان مهم‌ترین عنصر اجتماعی، کارکردهای خود را ایفا کند. زمینه‌ای نامیدن این نهادهای سه‌گانه، به معنی کم‌اهمیت شمردن آنها نیست؛ بلکه به این معنی است که نقش ابزاری آنها برای سایر نهادها نباید نادیده انگاشته شود.

محوری شمردن نهاد خانواده و ابزاری نامیدن نهاد اقتصاد در الگوی مورد نظر پژوهش حاضر، به این معنی است که تحولات نهاد اقتصاد را باید به نفع حفظ الگوهای معقول و مقبول خانواده، مدیریت و هدایت نمود. از آنجایی که نخستین نیازی که هر جامعه احساس می‌کند، نیازهای مادی است. در صورت عدم تأمین این نیازها در نهاد اقتصاد، نارضایتی در میان مردم ایجاد می‌شود و اصل نظام دچار



آسیب خواهد شد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲ الف، ص ۴۴۲). به همین دلیل نهاد اقتصاد، جایگاه مهمی در روابط بیان نهادی دارد. کارویژه نهاد اقتصاد همچون دستگاه گردش خون در بدن، تولید و توزیع مواد مورد نیاز جامعه است. توزیع مواد مورد نیاز، همچون خونی است که در بدن تولید و به همه اندام‌ها ارسال می‌شود. بدیهی است هرگونه اختلالی در این نظام، جامعه را با آسیب، نابسامانی یا اختلال مواجه می‌کند. احتکار کالاها (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ ج، ۱، ص ۲۷۹) یا هرگونه نقص در تولید آن، مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. اما اقتصاد - بدون انکار اهمیت آن - نقش زمینه‌ای دارد که می‌بایست در جهت تعالی خانواده نقش ایفا کند.

نظام سیاسی، به مثابه سیستم عصبی جامعه، نقش تصمیم‌گیری و فرماندهی داشته و به همین دلیل نیازمند کارگزاری است که با اجرای فرامین، جامعه را به حرکت درآورند. بخش قانون‌گذاری حکومت یا همان نهاد حقوق، پس از تشخیص مصالح جامعه و راه‌های تأمین آنها مقرراتی را وضع می‌کند و بخش اجرایی حکومت یا همان نهاد سیاست، مقررات و قوانین را به اجرا در می‌آورد (همان). فلسفه وجودی حکومت تحقق اوامر الهی است. بنابراین، کار فرهنگی، ترویج تکلیف‌گرایی و توجه دادن به منافع و ضررهای دنیوی و اخروی رفتارها، با روش‌های اقناعی در حکومت اولویت دارد. در این صورت آمادگی لازم برای انجام تکالیف الهی و ادای حقوق خداوند برای مردم ایجاد می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۴۶). هر تغییری در نهاد حقوق، مثل دگرگونی در قوانین سیاسی، اقتصادی، جزائی و... موجب دگرگونی در سایر نهادها خواهد شد؛ زیرا همه نهادهای اجتماعی، هنجارها، حقوق و تکالیف معینی را شامل می‌شوند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۷۵). از این رو، سامان‌یابی مناسب و مشروع هر سه نهاد خانواده، اقتصاد و سیاست، سخت نیازمند نهاد حقوق است (همان، ص ۴۶۲).

۷-۴. نهاد تعالی بخش

اما نهاد آموزش و پرورش، از جهتی دیگر مهم‌ترین نهاد اجتماعی است؛ زیرا زندگی اجتماعی فقط هنگامی که تحت حاکمیت عقلانیت قرار گیرد، انسانی خواهد بود و تنها نهادی که بدون واسطه با تعقل و ادراک عقلی افراد سروکار دارد و آنها را رشد فکری می‌دهد، همین نهاد است. رشد و استکمال معنوی افراد، تثبیت، تحکیم و تقویت سایر نهادهای اجتماعی، آگاهی‌بخشی افراد نسبت به قوانین و مقررات و ترغیب آنها به پیروی از قوانین، از جمله کارکردهای نهاد آموزش و پرورش است. بنابراین، گام اول در اصلاح یک جامعه یا حتی به تباهی کشیدن یک جامعه، از نهاد آموزش و پرورش آغاز می‌شود (همان، ص ۳۵۰).

۷-۵. فرمانده حاکم

تنظیم‌گری روابط بین نهادی و مدیریت تداخل کارکردی و رقابت یا تضاد نهادی، نیازمند حاکمیت بیرونی است. برخی از جامعه‌شناسان نیز به این مسئله توجه کرده و بر این باورند که نهادهای اجتماعی

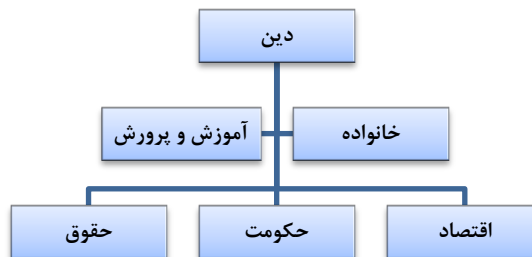


کارکردهای گوناگونی دارند و گاهی در یکدیگر تداخل پیدا می‌کنند و برقراری توازن میان آنها دشوار می‌شود. از این رو ضرورت دارد که نهاد واحدی بر نهادهای دیگر چیرگی داشته باشد و نفوذ چشمگیری بر نهادهای دیگر اعمال کند (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵). اما چیرگی هر یک از نهادهای اجتماعی، کارکردهای منفی و حتی نابسامانی اجتماعی یا بحران و فروپاشی را به دنبال خواهد داشت. در این صورت، تنها فرانهاد، دین (حق) است که ظرفیت چنین جایگاهی را دارد.

دین در حقیقت، برنامه صحیح و مطلوب زندگی آدمی است که جمیع ابعاد و وجوه حیات فردی و جامعه را در بر می‌گیرد و علاوه بر اعتقادات، اخلاق و عبادات به معنای اخص، شامل انواع و اقسام حقوق از جمله حقوق سیاسی، قضائی، جزائی، بین‌الملل، اقتصادی و مدنی نظیر حقوق خانواده نیز می‌شود. بنابراین، دین همه نهادهای اجتماعی را در خود می‌گنجاند و بر آنها اشراف و تسلط دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۹). بر این اساس، در مدل روابط بین نهادی از نظر اسلام، دین به‌عنوان یک فرانهاد در رأس قرار دارد و سیطره و نفوذ آن در سایر نهادها، نه به‌عنوان تداخل نهادی که به‌عنوان روح حاکم بر نهادهای اجتماعی، مشروع و ضروری تلقی می‌شود. در نتیجه، تنها دین (اسلام) است که به‌عنوان یک فرانهاد، می‌تواند آموزه‌های خود را در نهادهای اجتماعی اشراف نماید و به همه نهادها رنگ‌وبوی دینی بدهد. البته روشن است که این سیطره و نفوذ مانع از تمایز نهادی در برخی از سطوح نخواهد بود.

۶-۷. الگوی مطلوب

در مدل مطلوب روابط نهادی، فرانهاد دین در رأس همه نهادها قرار می‌گیرد، ذیل آن دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش در عرض یکدیگر و ذیل آن، سه نهاد اقتصاد، حقوق و حکومت در عرض یکدیگر قرار دارند؛ یعنی رابطه بین دین در سطح اول و خانواده و آموزش و پرورش در سطح دوم، و اقتصاد، حقوق و حکومت در سطح سوم، عمودی است، اما رابطه بین نهادهای خانواده و آموزش و پرورش عرضی است. همان‌گونه که رابطه بین نهادهای اقتصاد، حقوق و حکومت عرضی است. منظور از رابطه عرضی، تمایز نهادی و عدم تداخل، تراحم، تضاد یا رقابت کارکردی است که توسط فرانهاد دین مدیریت می‌شود و منظور از رابطه طولی، سیطره و اولویت نهادی به‌هنگام تراحم و تضاد است.



نمودار ۱- مدل مطلوب روابط نهادی

۸. نتیجه گیری

بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی، ناشی از اختلالات ساختاری و نهادی است. بنابراین، هم در سطح مطالعه و فهم آنها و هم در سطح اصلاح و ارائه راه‌حل، مطالعات کلان ساختاری و نهادی لازم است. مسائل پرشمار اجتماعی و فرهنگی و آسیب‌های فراوان اجتماعی در ایران معاصر نیز ریشه در روابط بین نهادی دارند و حل آنها تنها در این سطح موفق خواهد بود. تراحم و تضاد نهادی در روابط بین نهادی یا چیرگی یک نهاد در ایران معاصر، عامل اصلی بسیاری از نابسامانی‌ها و بحران‌ها بوده و راه حل اصلی و کلان آن در تحقق مدل مطلوب روابط بین نهادی است.



منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ابن مسکویه، احمد بن احمد (۱۳۸۱). *تهذیب‌الاخلاق*. ترجمه و توضیح: علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
- بابایی فرد، اسداله؛ میری، سمیه؛ خوش بیانی، فاطمه (۱۴۰۰). نقش اشتغال زنان بر ساختار خانواده. *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۴(۱۵)، ص ۱۳-۲۲.
- بی‌بی‌رازقی نصرآباد، حجه؛ حسینی، زینب (۱۳۹۸). مطالعه تجربه ایفای همزان نقش شغلی خانوادگی در مادران شاغل دارای فرزند خردسال. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۷۵)، ص ۱۰۹-۱۳۴.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۶). *هفت موج اصلاحات: نسبت تئوری و عمل*. قم: بوستان کتاب.
- تافلر، آلوی (۱۳۸۸). *موج سوم*. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: فرهنگ نشر نو، چاپ هجدهم.
- جلالی، محمد؛ مهدوی زاهد، مهدی (۱۳۹۵). تاثیر تحولات نهادهای اجتماعی بر امکان دولت قانونمند در ایران. *دولت‌پژوهی*، ۲(۵)، ص ۱۳۵-۱۶۳.
- جنادله، علی (۱۳۹۶). روابط نهادی دولت و جامعه در ایران: پیشنهادی از پیشانوسازی. *علوم اجتماعی*، ۲۶(۷۶)، ص ۲۷-۷۴.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل؛ شیری، محمد؛ عشایری، طاهّا (۱۴۰۲). تاثیر شاخص‌های کلان اقتصادی بر نرخ خام ازدواج استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱۰(۲۱)، ص ۲۰۹-۲۳۳.
- خیری‌دوست، زهرا و همکاران (۱۴۰۰). *فرهنگ، نهادهای رسمی و توسعه اقتصادی*. راهبرد فرهنگ، شماره ۵۵، ص ۵۶-۸۰.
- سرار، میرو (۱۳۹۲). *رابطه حقوق و سیاست*. در: *حقوق و سیاست*. محمدعلی نوری. تهران: گنج دانش، ص ۳۹-۶۸.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷). *دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*. تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی‌شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین. تهران: نشر مرکز.
- صادقی، رسول؛ شهابی، زهرا (۱۳۹۸). تعارض کار و مادری، تجربه‌گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۷۳)، ص ۹۱-۱۰۴.
- صداقتی‌فر، مجتبی (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)*. تهران: ارسباران.
- ظهیری، مجید (۱۳۹۱). نقش روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۹۳، ص ۵۷-۷۰.
- علی‌بابایی، یحیی (۱۳۷۸). آیا دین یک نهاد اجتماعی است؟ *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۱۳، ص ۱۰۹-۱۲۸.
- فتحی‌پور، پری؛ رسول‌زاده، صمد (۱۳۹۶). بررسی تعارض کار، خانواده- کار در بین زنان شاغل در نهادهای دولتی شهر تبریز. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۹(۳۶)، ص ۳۱-۴۸.
- قدسی، علی‌محمد؛ میرجلیلی، سید سجاد (۱۴۰۰). بررسی جامعه‌شناختی ارتباط انواع سرمایه با میزان گرایش

- زنان متأهل به طلاق در شهر همدان. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸(۱۸)، ص ۲۳۲-۲۱۱.
- کوئن، بروس (۱۳۷۵). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). *جنگ علیه خانواده*. ترجمه معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گورویچ، ژرژ (بی‌تا). *مبانی جامعه‌شناسی حقوقی*. ترجمه حسن حبیبی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). *نظریه سیاسی اسلام*. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱د). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ الف). *انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ*. تدوین و نگارش: قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ الف). *نظریه حقوقی اسلام*. تحقیق و نگارش: محمد مهدی کریمی‌نیا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ب). *اخلاق در قرآن*. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ب). *انسان‌سازی در قرآن*. تنظیم و تدوین: محمود فتحعلی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- منصوری، جواد (۱۳۸۶). *سیاست و نهادهای اجتماعی*. تهران: امیرکبیر.
- میرمحمدی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۴). *الگوی روابط بین نهادهای حاکمیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران*. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱۹(۲)، ص ۱۸۵-۲۰۵.
- ناسخیان، علی اکبر؛ وفائیان، محمدحسین (۱۴۰۰). *تحلیل خاستگاه شکل‌گیری نهادهای اجتماعی با تکیه بر نظریه انگاره‌های عمومی در فلسفه فارابی*. *حکمت سینوی*، شماره ۶۶، ص ۷۷-۹۸.
- نولان، پاتریک؛ لنسکی، گرهارد ایمینیول (۱۳۸۰). *جامعه‌های انسانی: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- یادی‌پور، مهدی (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

Introduction to Sociology (2012).

URL= https://en.wikibooks.org/wiki/Introduction_to_Sociology

Roland, G. (2004). Understanding institutional change: fast-moving and slow-moving institutions. *Studies in comparative international development*, 38(4), p.109-131.